

بررسی مسؤولیت کیفری عرضه کنندگان محصولات صنعتی

تاریخ دریافت: ۸۲/۲/۸

تاریخ تأیید: ۸۲/۹/۳۰

ابوالحسن شاکری^۱

چکیده

هنگامی که از کالای صنعتی به استفاده‌کننده آن آسیبی می‌رسد، همین قدر که احراز شود مصدومیت جسمی وی مستقیماً از کالای صنعتی بوده، کافی است که بر عیب کالا و در واقع، تعدی یا تفریط سازنده در ساختن آن دلالت نماید، بنابراین محصولات سازندگان که در وقوع جرم مؤثر است و همین‌طور رفتار توزیع‌کنندگان که استفاده‌کنندگان را به استفاده از کالا مغرور کرده است، بدون نیاز به اثبات تقصیر و به دلالت ظاهر، منتسب به اشخاصی است که آن را عرضه کرده‌اند و وی با لحاظ این فرض یا اماره تقصیر که از جانب آنها قابل رد است، در مقابل صدمات جسمی ناشی از تولیدات عرضه شده، مسؤولیت خواهند داشت و اگر این شخص اثبات نماید که علت صدمه، اقدام غیر مجاز استفاده‌کننده یا شخص ثالث و یا ناشی از قوه قهریه بوده است، از مسؤولیت کیفری مبری می‌شود. در غیر این صورت، صرف ایراد صدمه موجب دیه است که وی مسؤول تأدیه آن است و اگر تقصیر عرضه‌کننده اثبات گردد، با لحاظ ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی علاوه بر دیه، حبس هم می‌گردد.

واژگان کلیدی: صدمات جسمی ناشی از محصولات صنعتی، مسؤولیت کیفری، ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی، عرضه‌کنندگان محصولات صنعتی

مقدمه

رشد کمی و کیفی تولیدات صنعتی، همراه با حوادث نامطلوب و دل‌خراش ناشی از آنها وضعیت جدید و نگران‌کننده‌ای ایجاد کرده است که صرف نظر از مباحث مدنی مرتبط به فسخ معامله و تعهدات سازندگان در خصوص ایمنی و حسن کار محصولات صنعتی و جبران خسارات مادی ناشی از آنها در چارچوب قراردادهای یا الزامات خارج از قرارداد، در عرصه حقوق کیفری هم می‌توان به طرح مباحث خاص و دقیقی پرداخت.

در گذشته‌های دور، روابط سازندگان کالا مبتنی بر این اصل بود که چون به مصرف‌کننده اجازه توجه دقیق به کالا داده می‌شد، در صورت انجام معامله، کالا به‌قدر کافی با مورد انتخابی منطبق بود و لذا اگر این کالا باعث آسیب و خسارتی می‌شد، به‌لحاظ اینکه کیفیت کالا برای مصرف‌کننده آشنا و خسارت جزئی بود، معمولاً تولیدکنندگان در مقابل حوادث ناشی از آن مسؤولیتی نداشتند (The Encyclopedia, 1981: p.683).

اکنون با تولید کالاهای فنی و پیچیده در مقیاس وسیع و استفاده از تبلیغات و سازوکارهای روانی جهت وادار کردن مصرف‌کنندگان به مصرف بیشتر و نوعاً عدم تجهیز آنها به دانش فنی و وسایل عیب‌یابی و خطرات بالقوه و پنهانی ناشی از کالا باعث شد که توجه قانون‌گذاران به مصرف‌کنندگان معطوف گردد و با عنایت به سیاست جنایی یعنی کلیه تدابیر و اقدامات سرکوبگرانه (کیفری و غیرکیفری) و پیش‌گیرانه خاص با ماهیت‌های مختلف که دولت و جامعه هر یک به صورت مستقل یا با مشارکت سازمان یافته یکدیگر از آنها در چارچوب آیین‌نامه‌های معین، به منظور سرکوبی بزهکاری و بزهکاران و نیز پیش‌گیری از وقوع جرم و انحراف استفاده می‌کنند (لازرز، ۱۹۸۷: ص ۱۴). از دولت انتظار می‌رود با نظارت و اقدامات تأمینی و انتظامی و در نهایت با توسل به ضمانت اجرای کیفری در جهت کنترل عرضه‌کنندگان و جلوگیری از ورود ضرر به مصرف‌کنندگان برآید.

حمایت از مصرف‌کنندگان که مقتضی پیش‌گیری از وقوع صدمه و جبران آن در صورت وقوع است، در فقه اسلامی مبتنی است بر قواعد بنیادینی چون قاعده «دم المسلم لایذهب هدراً» (مصطفوی، ۱۴۱۲: ص ۱۲۷). و قاعده «لاضرر و لاضرار» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹: ق: ۱۷۶) که مبنا و اساس بسیاری از مباحث و احکام فقهی و حقوقی را تشکیل می‌دهند.

در همین راستا است که می‌توان گفت ایجاد مسؤولیت برای عرضه‌کنندگان محصولات صنعتی، اعم از سازنده یا توزیع کننده، در چارچوب حقوق کیفری نیازی برخاسته از حقوق جامعه و مبتنی بر نظم عمومی، اعتماد و آسایش اجتماعی و پیش-گیری از صدمه به جسم و جان انسانها و جبران آن است که در این خصوص لازم است مقررات آن در پاسخ به نیاز جامعه با بهره‌گیری از منابع فقهی و اندیشه‌های حقوقی توسعه و تعمیق یابد.

بخش نخست: ارکان تحقق مسؤولیت کیفری سازندگان محصولات صنعتی

در چارچوب حقوق کیفری ایران، برای حمایت از مصرف‌کنندگان محصولات صنعتی که از یک محصول صنعتی صدمه می‌بینند، عرضه‌کنندگان آنها در صورت تحقق شرایطی مسؤولیت کیفری خواهند داشت.

گفتار اول: ضرر

مسؤولیت کیفری سازندگان در مقابل مصرف‌کنندگان، مقید به حصول ضرر است. ضرر در لغت به معنی صدمه، زیان، خسارت، آسیب و گزند است (دهخدا، ۱۳۷۲: ص ۱۳۷۰) که موضوع آن می‌تواند جسم، جان، روان و مال انسان باشد. ولی آیا همه آنها مشمول حمایت کیفری و موجب مسؤولیت کیفری سازندگان است؟ پاسخ به این سؤال از این جهت مهم است که با وقوع صدمه به مصرف‌کنندگان اگر نظر بر مجرمیت سازنده داشته باشیم، تشریفات تعقیب دعوی و رسیدگی و حکم و دیگر آثار ناشی از آن کاملاً متفاوت با موردی است که سازنده فقط مسؤولیت مدنی دارد.

الف_ انواع ضرر و تأثیر هر یک بر مسؤولیت کیفری

در قانون مجازات اسلامی ماده‌ای وجود ندارد که به صراحت بر جرم بودن صدمه به جسم و جان انسان که مشخراً ناشی از کالای صنعتی باشد دلالت نماید؛ ولی با نظر به یک رابطه منطقی و اینکه مجازات متوقف بر وقوع جرم است و اینکه ایراد هر نوع صدمه به جسم و جان انسان، اعم از عمد یا غیر آن و با هر وسیله ای که انجام گیرد، به واسطه اینکه ضمانت اجرای آن دیه است و دیه مطابق ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی از مجازات‌هاست، به دست می‌آید که هر نوع صدمه جسمی و جانی ناشی از محصول صنعتی جرم است. این نوع جرایم (صدمات ناشی از محصولات صنعتی) که به تسبیب

واقع می‌شوند چون عنصر روانی آن عمد نیست، شروع به جرم ندارند؛ ولی ممکن است در مراحل قبل از وقوع صدمه به منظور پیش‌گیری از وقوع صدمه، با شرایطی تولید و عرضه برخی کالاها جرم خاصی شناخته شوند که تحقیقاً غیر از شروع به جرم است، ولی در صورتی که صدمه‌ای از آنها واقع گردد، مجازات سازنده یا عرضه کننده تشدید می‌شود. اینکه آیا هر ضرری از محصول صنعتی عنوان مجرمانه دارد یا نه بحث دقیقی است که در ذیل به آن می‌پردازیم.

(۱) جرم نبودن ضررهای مالی: در مجموعه قوانین کیفری ایران که با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، جرایم به‌طور حصری احصا و فهرست شده‌اند، زیانهای مالی ناشی از کالای صنعتی عنوان خاص مجرمانه‌ای ندارد. شاید با نظر به تلف مال، در نگاه اول، به‌نظر برسد که زیان مالی از کالای صنعتی مصداق جرم تخریب است؛ ولی تحقیقاً این چنین نیست، زیرا رفتار مجرمانه تخریب، عمل مادی مثبت است، در حالی که حوادث زیانبار ناشی از کالای صنعتی بعضاً از تفریط و ترک فعل سازنده در ساخت کالا و رفع عیب آن است.

دیگر اینکه عنصر روانی جرم تخریب را سوء نیت عام و خاص تشکیل می‌دهد، در حالی که عموماً هیچ‌کدام در زیان مالی ناشی از کالای صنعتی وجود ندارد. بنابراین باید بگوییم به لحاظ فقدان رکن روانی، صرف زیان ناشی از کالای صنعتی جرم نیست. البته تردیدی نداریم سازنده نسبت به جبران خسارات وارده مسؤولیت مدنی خواهد داشت که رسیدگی به آن باید مطابق با مقررات آیین دادرسی مدنی به عمل آید و اگر صدمه بدنی ناشی از کالای صنعتی، همراه با خسارات مالی به مصرف کننده باشد، در عمل به ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری، می‌توان در ضمن رسیدگی جزایی به دعوی مدنی خسارت دیده هم رسیدگی کرد.

(۲) جرم نبودن ضررهای معنوی: صرف نظر از اینکه در قانون دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ مطالبه ضرر معنوی از عداد ضررهای قابل مطالبه حذف گردید، با عنایت به صراحت اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مسؤولیت مدنی و دیگر مقررات، ضرر معنوی قابل مطالبه است؛ اما آیا ایراد ضرر معنوی جرم است؟ اگر ضرر معنوی به اعتبار تعریف مذکور در ماده ۹ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰، کسر حیثیت و اعتبار و صدمات روحی است، در مواردی که به صراحت شریعت

مقدس، اسلام برخی از آنها مثل توهین، غیبت، تهمت و قذف گناه بوده، در قانون جزایی عنوان جرم دارد، اما هیچ‌یک نمی‌تواند بر زیان معنوی ناشی از کالای صنعتی صادق باشد و اگر در قوانین مختلف به ضرر معنوی اشاره شده است، تحقیقاً قانون‌گذار در مقام بیان ضمانت اجرای کیفری نبوده است؛ بلکه همان‌طور که از سیاق این قوانین بر می‌آید، نظر بر جبران صدمات معنوی با مقدار معینی مال است که نه به عنوان مجازات، بلکه به‌عنوان جبران ضرر و زیان ناشی از جرم یا غیره به متضرر داده می‌شود. گذشته از آن، وقتی برای عضو یا جراحی دیه تعیین شده است، مطالبهٔ مازاد بر آن فاقد مجوز شرعی است (کمیسیون استفتائات و مشاورین شورایی عالی قضائی، ۱۳۶۲: ص ۳۹)، هرچند در این خصوص تردیدهایی وارد است.

۳) جرم بودن ضررهای بدنی: در مجموعهٔ قوانین حاکم بر ایران، صرف ایراد صدمه به بدن انسان به هر شکل و اثری اعم از قتل، جرح، قطع و ضرب، به شرط اینکه به کسی منتسب باشد، خواه به مباشرت خواه به تسبیب و ناشی از فعل یا ترک فعل باشد، بر خلاف دیگر موارد، جرم و موجب مسؤولیت کیفری است (مشروط به اینکه داخل در شمول عوامل موجههٔ جرم نباشد)؛ زیرا قانون‌گذار برای عامل این واقعهٔ آسیب به بدن انسان، مجازات در نظر گرفته است. حداقل مجازاتی که در قانون ایران برای منتسب الیه در نظر گرفته شده است دیه یا حسب مورد ارش است و به اعتبار درجهٔ عنصر روانی، یعنی تقصیر یا عمد که در واقع بر خطرناکی شخص در ارتکاب رفتارش دلالت دارد، مجازات وی تشدید می‌گردد.

در این خصوص تذکر این نکته لازم است که در فقه اسلامی و حقوق ایران که گناه و جرم، فرع بر ارتکاب رفتار منع شده است، تحمیل دیه بر کسی دلیلی بر مجرم بودن او نیست مرتکب عملی که به دیگری صدمه وارد کرده، نشده است.

ب_ اوصاف ضرر موجب مسؤولیت

۱) ضرر بدنی: آسیب‌ناشی از کالا باید به بدن انسان وارد آید تا موجب مسؤولیت کیفری سازنده و حمایت از مصرف‌کننده شود. منظور از آسیب یا خسارت، صدماتی است که منجر می‌شود به ازهاق نفس (قتل)، قطع، شکستگی، جرح، ضرب، از بین رفتن منافع عضو و هریک از انواع جراحات به سر و صورت و درون انسان، به‌طوری که از نظر قانونی یا شرعی بتوان آسیب دیده را مستحق دیه یا ارش دانست.

۲) **ضرر قطعی:** پرداخت دیه یا ارزش به‌عنوان مجازات در مقابل ضرر به بدن انسان است. بنابراین بر اساس احتمال، شک، ظن و حتی قطع به وقوع خسارت به بدن در آینده، نمی‌توان سازنده را به جرم صدمه به بدن مسؤول تادیه دیه دانست. البته ممکن است در مواردی به برخی از اعضای بدن مصرف کننده خسارت وارد شده باشد ولی نتوان مقدار دیه را بلافاصله تعیین نمود. در این صورت به واسطه وقوع ضرر، جرم واقع شده است، ولی اندازه مجازات دیه به عهده سازنده، قطعی نیست و باید مطابق با برخی از موارد قانون مجازات اسلامی، مثل ماده ۴۴۲ دیه یا ارزش را پس از نتیجه درمان تعیین کرد.

۳) **ضرر مستقیم:** با نظر به وحدت ملاک از ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی مبنی بر اینکه در صورتی دادگاه حکم به خسارت می‌دهد که مدعی خسارت ثابت نماید که ضرر به او وارد شده و این ضرر بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد بوده است، مستفاد می‌گردد که علت صدمه باید مستقیم و بی واسطه متوجه مصرف کننده شده باشد. بنابراین اگر این علت، کالای صنعتی باشد، سازنده ضامن خواهد بود.

گفتار دوم: محصول صنعتی

جزء دیگر مسؤولیت کیفری سازندگان محصول صنعتی این است که ضرر، ناشی از کالای صنعتی باشد، که از این جهت توجه به مسائل زیر لازم است:

الف - محصول صنعتی

در مجموعه مقررات استاندارد بین المللی (ISO)، منظور از محصول، ماحصل فعالیتها یا فرایندهایی است که ممکن است ملموس یا غیر ملموس یا ترکیبی از هر دو باشد. مثل سخت افزارها، مواد اولیه و حتی برخی از خدمات (موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۷۴: ص ۵۰) و مقصود از صنعتی که منسوب به صنعت است، ساختن حرفه-ای اشیاء، طی فرایند خاص است. در نتیجه، محصول به آن دسته از کالاهایی اطلاق می‌شود که انسان به واسطه دانش فنی خود، آنها را با ایجاد ارزش اضافی بسازد. با این توصیف، بسیاری از محصولات طبیعی و کشاورزی و یا خدمات انسانی از قبیل بیمه و بانکداری که ملازمه با تغییر شکل یا کار مستقیم انسان با اشیاء ندارد، خارج از مفهوم و مصادیق محصول صنعتی قرار می‌گیرند. با این حال باید گفت ذکر عنوان محصول

صنعتی بر اشیاء و خدمات پیرامون انسان تا حدودی به عرف و قضاوت‌های عمومی بستگی دارد.

ب- ملاک ارتباط سازنده با محصول صنعتی

عموماً مسؤولیت کیفری، فرع بر احراز رفتار، اعم از فعل یا ترک فعل شخصی است که در قانون برای آن، عنوان مجرمانه در نظر گرفته شده است؛ ولی ممکن است این نوع مسؤولیت هم از فعل دیگری ناشی گردد که مصداق بارز آن رابطه کارگر و کارفرما است مسؤولیت ناشی از اشیاء باشد که در صورت انتساب به متصرف و یا صاحب آن موجب ضمان است؛ لیکن در اینجا بحث این است که وقتی محصول صنعتی در تصرف مصرف کننده قرار دارد، با لحاظ بعد زمان و مکان چگونه می‌توان بین محصول صنعتی با سازنده ارتباط برقرار کرده آن را منتسب به سازنده دانست؟ در پاسخ به نظر می‌رسد با توجه به فرمایش صاحب مکاسب مبنی بر اینکه انسانها در برابر کالای سالم عرفاً حاضر به پرداخت وجه می‌شوند (انصاری، ۱۳۶۶: ص ۲۵۲) و در واقع، سازنده با ارائه تولید خود، صرف نظر از هر مصرف کننده‌ای، به‌طور ضمنی به حسن کارکرد و ایمنی محصول صنعتی از عیوب و حادثه تعهد کرده است، از این جهت می‌توان گفت محصول صنعتی در طول عمر عرفاً مفید خود، در تحت فعالیت و اداره غیر مستقیم سازنده قرار دارد و اگر زبانی از محصول صنعتی به هم رسد، مشارالیه و حتی فروشنده و وارد کنندگان این نوع محصولات از باب قواعد فقهی تسبیب و غرور (المغرور یرجع الی من غره) در برابر صدمه دیدگان مسؤولیت دارند، هر چند عامل صدمه، جاهل به وقایع احتمالی باشد. مگر اینکه عامل خارجی حادث گردد و این رابطه را قطع کند که در این صورت محصول از اداره و ارتباط با سازنده خارج است (محمد کاظم یزدی، ۱۳۳۷ ق، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، ج اول، ص ۱۷۹، محقق داماد ۱۳۶۳ ص ۱۷۸، ابوالحسن محمدی ۱۳۷۳، قواعد فقه، ص ۸۵).

ج - اسباب عینی ضررهای ناشی از کالای صنعتی

برای وقوع یک حادثه ناخواسته ناشی از یک محصول صنعتی، از نظر فیزیکی و مادی ممکن است عوامل مختلفی دخالت داشته باشند که در واقع از "شرایط" وقوع صدمه‌اند. ولی از نظر عرفی عامل عینی مولد ضرر ناشی از محصول صنعتی، محدود به یک یا چند عامل خاص مؤثر در نتیجه است که "سبب" نامیده می‌شود و عموماً به سازنده منتسب است:

(۱) عیب: به رغم اینکه عیب، مباحث زیادی از حقوق مدنی را به خود اختصاص داده است، در قانون ایران تعریفی برای آن بیان نشده است، لیکن به استناد ماده ۴۲۶ قانون مدنی ایران تشخیص عیب به عرف و عادت واگذار گردیده است. بر این اساس به- نظر می‌رسد کالایی معیوب محسوب می‌گردد که نوعاً مصرف کننده نتواند از آن استفاده متعارف را بنماید و یا احیاناً بر خلاف انتظار، قراردادی موجب آسیب به مصرف کننده شود. از این رو خسارات یا صدماتی که از طبیعت کالا ناشی می‌شود و نوعاً قابل انتظار یا پیش بینی است، عیب تلقی نمی‌شود و مسؤولیتی را متوجه سازنده آن نمی‌کند. مثلاً نمی‌توان کارخانه شکلات سازی را مسؤول فساد دندانهای ناشی از شکر مورد استفاده در شکلات دانست. زیرا متعارف است که در طبیعت شکلات، شیرینی و استفاده از شکر است و حتی می‌توان گفت که اگر عیوب ظاهر و پنهانی که مورد خواسته و معلوم مصرف کننده بوده است، سبب صدمه به وی گردد، موجب مسؤولیتی برای سازنده نیست و همین‌طور است حوادث حاصل از عیوبی که در زمان تصرفات مصرف کننده از کالا ناشی شده باشد.

اینکه عمر مفید و قابل استفاده یک کالا چقدر است، به نظر سازنده یا قرارداد وی با مصرف کننده و در غیر آنها به عرف استفاده از آن بستگی دارد. ولی به هر صورت، سازنده در طول عمر یک کالا از جهت حوادث قابل پیش بینی که ناشی از عیب آن باشد و در قانون ایران حسب نوع با ماهیت حادثه، مالی یا جسمی باشد، مسؤولیت کیفی یا مدنی دارد.

(۲) عدم ارائه اطلاعات کامل: گاهی حسن استفاده از محصول صنعتی مستلزم توجه به دستورالعمل‌های ویژه‌ای است که به موجب آنها، استفاده کننده هم از قابلیت و نحوه استعمال محصول صنعتی و هم از خطرات احتمالی و پیش‌بینی‌پذیر و پیش‌گیری آن آگاه می‌گردد، مبنای تکلیف به آگاه سازی از نحوه کار و خطرات کالا در حقوق فرانسه، به مواد ۱۱۳۵ و ۳/۱۱۲۴ قانون مدنی ناشی از عرف و حسن نیت عرضه کنندگان مستند است، ولی در حقوق ایران، مستفاد از ماده ۳۶۷ قانون مدنی، آگاه سازی یکی از شرایط صحت تسلیم مبیع است و در غیر این صورت تسلیم به‌طور کامل محقق نگردیده است (کاتوزیان، ۱۳۶۳: ۱۴۷).

صرف نظر از این آثار مدنی، عدم راهنمایی و هشدار به مصرف کننده یا راهنمایی-

های ناقص یا غلط به وی، در صورت وقوع صدمه به جسم و جان می تواند از باب تسبیب، موضوع مباحث جزایی هم قرار بگیرد.

البته ضابطه ابلاغ راهنماییها و هشدارهای لازم، عرف و عادات عمومی است؛ مثلاً در مواردی مثل راندن اتومبیل، آگاه سازی از مهارت‌های رانندگی از عرف و قانون خارج از وظیفه سازنده است و حتی در خصوص بعضی از کالاها مثل دستگاه C.N.C که مخصوص تراش قطعات با استفاده از رایانه است، دانش فنی استفاده از این دستگاه، مستقل از آن، عرضه و به فروش می‌رسد، لذا بدون تجهیز افراد به آن، هرگونه صدمات ضمان ناشی از استفاده این کالای صنعتی متوجه سازنده آن نیست.

۳) به کار اندازی نامناسب: امروزه ایمن سازی عرفی کالاهایی که در دسترس و استفاده عموم است، بخشی از وظایف سازندگان محصولات صنعتی است و بعضاً محصولات راه، به صرف ارائه اطلاعات و هشدارهای همراه یا الصاقی، اگر از تجهیزات ایمنی عرفی عاری هستند، نباید در دسترس عموم قرار داد. مثلاً آسانسوری که در یک ساختمان نصب می‌شود، باید از آنچنان قابلیت بر خوردار باشد که برای استفاده کننده آن، صرف نظر از توجه به اطلاعات الصاقی، خطر آفرین نباشد. زیرا کسانی که از آسانسور استفاده می‌کنند، فقط افراد باسواد و هوشیار از اطلاعات الصاق شده نیستند و ممکن است افراد بی‌سواد، بچه یا پیرمرد هم بخواهند از این وسیله استفاده کنند که در این صورت، آسانسور نباید موجب آسیب و صدمه استفاده کنندگانش گردد، مگر اینکه استفاده کننده در وقوع ضرر به خود، تعمد یا تقصیر داشته باشد.

گفتار سوم: انتساب ضرر به سازنده

نسبت دادن و ایجاد ارتباط بین واقعه مجرمانه با شخصی که عامل آن است از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده هر جرم است، به‌طوری‌که با نبود آن و عدم احراز علت و معلولی عرفی بین واقعه مجرمانه با شخص نمی‌توان گفت که اساساً جرمی واقع شده است. با این توصیف، اشخاص ممکن است به یکی از دو جهت مباشرت یا تسبیب منتسب الیه وقایع مجرمانه واقع گردند که چون عموماً سازندگان و توزیع کنندگان محصولات صنعتی مستقیماً یا باصطلاح بالمباشرت عامل وقایع مجرمانه ناشی از محصولات صنعتی نیستند. این بحث سالب بانتفاء موضوع است و باید از طریق تسبیب

بین واقعه مجرمانه ناشی از محصولات صنعتی با توزیع کنندگان یا تولیدکنندگان آن ارتباط برقرار کرد که مباحث زیر را می‌طلبند.

الف_ تسبیب

تسبیب از نظر قانونی عبارت است از اینکه «انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که اگر نبود، جنایت حاصل نمی‌شد» (ماده ۳۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵) مستفاد از این تعریف، زمانی که رفتار کسی تاثیر اقوی (مرعی، ۱۳۷۵: ص ۷) در وقوع حادثه یا نتیجه مجرمانه داشته باشد، سبب شناخته می‌شود که ممکن است به عمد یا به تقصیر باشد. در خصوص بحث، قابل توجه است که صرف حادثه و وقوع مصدومیت ناشی از کالا بر سوء عملکرد و وجود عیب در آن دلالت دارد و انتساب آن به سازنده به ظاهر و بدون نیاز به دلیل و اثبات تقصیر وی، ثابت است و لذا نه تنها به اثبات تقصیر (سوء عملکرد و وجود عیب در کالا) نیازی نیست، بلکه مجالی هم برای سازنده، جهت توسل به اصل برائت وجود ندارد، مگر اینکه در نزد قانون‌گذار وقوع جرم و مجرمیت سازنده، منوط به اثبات تقصیر یا قصد وی در ایجاد سبب باشد که در این موارد، موجب تشدید مجازات علاوه بر دیه است؛ البته اگر سازنده خلاف امر واقع را مدعی گردد، باید دلیل بیاورد به اینکه مثلاً دخالت غیر مجاز مصرف کننده یا شخص ثالث به هر عنوانی اعم از تعمیرکار یا سازندگان دسته دومی که کالاهای خود را تجهیز به محصولات وی می‌کنند و یا قوه قهریه، تاثیر اقوی در وقوع نتیجه داشته و سبب حادثه بوده است که در این صورت از مسؤلیت مبری می‌گردد.

نکته دقیق و قابل تأمل این بحث، انتساب حادثه یا مصدومیت ناشی از کالا به فعل یا ترک فعل سازنده است که متوقف بر قضاوت‌های فنی و عرفی بدون توجه به مباحث عنصر روانی است و در مواردی فقهای عظام هم به آن توجه کرده‌اند:

صاحب جواهر ضمان سازنده کشتی را که در اثر سوراخ شدن کشتی غرق می‌شوند به خاطر تقصیر او می‌داند (نجفی، ۱۹۸۱: ص ۱۱۳). همین‌طور صاحب شرح لمعه صنعتگر را، به استناد اطلاق فرمایش امام صادق (ع): «کل اجیر یعطی الاجرة علی ان یصلح فیفسد فهو ضامن»، به رغم جهد، ضامن صدمه مصنوعش به دیگران می‌داند (الجبعی العاملی، ۱۴۰۳: ص ۱۴۳)؛ هر چند ممکن است برخلاف این نظر، گفته شود که این روایت دلالت دارد بر

عدم ضمان تعمیرکار نسبت به خراب کردن کالایی که برای تعمیر به او سپرده شده است. ولی صرف نظر از تفسیر اخیر، بر این اساس اگر زیان دیده صرفاً اثبات کند که حادثه از کالایی ناشی بوده که مطابق قرارداد یا عرف، مجاز به استفاده از آن بوده است، به نظر می‌رسد که تسبیب در صدمات ناشی از محصولات صنعتی مبتنی است بر مفهوم نظریهٔ مسؤولیت عینی در فرض تقصیر قابل رد.

ب _ نقش عوامل خارج از کالا در بروز ضرر

منظور از عوامل خارج از کالا آن دسته از عواملی است که مانع از ایجاد رابطه بین محصول صنعتی با سازندهٔ آن گردد و از نظر عرفی، سبب انحصاری ورود صدمه به مصرف کننده باشد که در نتیجه، انتساب ضرر ناشی از محصول صنعتی به سازنده، سالب به انتفاء موضوع است.

(۱) **قوهٔ قهریه:** غالباً غرض از قوهٔ قهریه، قوای طبیعی مانند طوفان، سیل، زلزله و از این قبیل حوادث است که در وقوع آنها انسانها دخالت ندارند. با وحدت ملاک از مادهٔ ۲۲۸ قانون مدنی مبنی بر اینکه متخلف از انجام تعهد وقتی به خسارت محکوم می‌شود که نتواند ثابت نماید عدم انجام تعهد به واسطهٔ علت خارجی بوده است که نمی‌تواند مربوط به او باشد و در مادهٔ ۷ لایحهٔ حمایت از حقوق مصرف کنندگان نیز بدین شرح مورد ملاحظه قرار گرفته است، «هر گاه عرضه کنندهٔ کالا یا خدمات ثابت نماید که همهٔ احتیاطهای لازم را در تولید و عرضهٔ کالا و خدمات به کار برده و عیبی که در کالا یا خدمت وجود داشته، ناشی از حادثهٔ خارجی است که هیچ عرضه کننده حرفه‌ای کالا و یا خدمت قادر به پیش‌بینی و دفع آن نبوده است از مسؤولیت مبری خواهد شد»، برای عدم انتساب صدمه به سازنده، لازم است که اولاً حوادث ناشی از قوهٔ قهریه از لحاظ فنی یا عرفی قابل پیش‌بینی و پیش‌گیری نباشند، مثلاً چون در ساختمانهای بلند، احتمال برق گرفتگی ناشی از صاعقه وجود دارد، اگر به طریقه فنی، مثل استفاده از رسانه فلزی، اتصال جریان برق به زمین هدایت نشود و با آمدن صاعقه ساختمان تخریب گردد، سازنده نمی‌تواند در این خصوص برای تبرئه خود به قوهٔ قهریه استناد نماید؛ ثانیاً قوهٔ قهریه مانع انجام تعهد سازنده به عملکرد محصول صنعتی باشد و لذا اگر قوهٔ قهریه اخلالی در کارکرد و فعالیت محصول صنعتی ایجاد نکند، توجیهی برای انتفای مسؤولیت سازنده نیست و ثالثاً سازنده در ایجاد قوهٔ قهریه از روی عمد یا تقصیر

دخالت نداشته باشد، هر چند که مسؤولیت او به موجب قانون مفروض باشد (کاتوزیان، ۱۳۶۲: ص ۲۹۲).

۲) اقدام غیر مجاز مصرف کننده: در مباحث فقهی و مدنی، قاعده‌ای وجود دارد به نام قاعده اقدام که به موجب آن، کسی که باعث ضرر به مال خود شود، دیگری مسؤول جبران خسارت وی نیست (مصطفوی، ۱۴۱۲: ص ۴۹). در اینجا هر چند اضرار و صدمه علیه جسم و جان خود تخصصاً از شمول این قاعده خارج است، اگر شخص مصرف کننده به واسطه اقدامات غیر مجاز خود یا بهرغم علم به عیب و نقص کالا و یا به واسطه استفاده از کالا در خارج از عمر قراردادی یا عرفاً مفید آن، در ایجاد حوادث خطرناکی که منجر به صدمه و فوتش شده است دخالت داشته باشد، با نظر به آیه شریفه «لاتزرر وازرة ووزر اخرى» (فاطر، ۱۸) و اصل شخصی بودن مجازاتها منطقی و عقلایی نیست که سازنده را مسؤول آن بدانیم؛ لذا رفتار مصرف کننده را می‌توان تحت عنوان اقدام علیه خود که ماهیت مشترکی با قاعده اقدام در مباحث مدنی دارد، عامل و علت صدمات وارده بر خودش دانست.

۳) دخالت شخص ثالث: شخص ثالثی که مستقل و غیر مأذون از سازنده، در تنظیم و عملکرد کالا دخالت می‌نماید و در نتیجه آن حادثه‌ای بر مصرف کننده وارد شود، به واسطه اینکه حادثه منتسب به اوست، مسؤولیت خواهد داشت، مگر اینکه به-رغم دخالت او، حادثه متأثر از عمل وی نباشد که در این صورت ضامن نیست.

ج. مسؤولیت کیفری سایر اشخاص مرتبط با محصول صنعتی

به غیر از کسانی که مستقیماً در تولید یک کالای صنعتی و عرضه آن به مصرف کننده دخالت داشته‌اند، ممکن است اشخاص دیگری هم در ساخت و توزیع آن نقش داشته باشند.

۱) توزیع کنندگان: مطابق با ماده ۲ قانون نظام صنفی، هر فرد صنفی مسؤول کیفیت محصولی است که عرضه می‌کند؛ بنابراین عمده فروشان، خرده فروشان، واسطه گران و واردکنندگان که به استناد بند ماده ۴ این قانون، فرد صنفی محسوب می‌شوند، هر چند در جریان طراحی یا تولید کالا دخالتی نداشته باشند، در مقابل ضررهای وارد به مصرف کنندگان مسؤولیت خواهند داشت (prosser & keeton, 1984: p.706). بدون تردید، وقایع زیانبار و مسؤولیت ناشی از آن بر این افراد هم بر اساس تسبیب توجیه پذیر

وانتساب شدنی به آنها است؛ زیرا این افراد، هر چند به عیب یا حوادث احتمالی جاهل بوده باشند، از باب غرور شدنی، موجب استفاده مصرف کنندگان از کالاها و در نتیجه، زیان به آنها گردیده‌اند و با لحاظ سبب اقوی از مباشر، حوادث به آنها و ایادی قبلیشان منتسب است. در این صورت هر یک از این توزیع کنندگان، پس از تحمل جبران ضرر (دیه) در مقابل مصرف کنندگان مصدوم، مستحق اخذ آن از ایادی قبلی خود خواهند بود. تحقیقاً رابطه این اشخاص با هم، به جهت اینکه هیچ‌یک از آنها مجنی علیه واقعه نبوده‌اند، مطابق با قواعد مدنی است.

گاهی مشاهده می‌شود که سازندگان یا فروشندگان در خصوص کالاهای خود ضمانتنامه‌هایی را در اختیار خریداران قرار می‌دهند که مفاد آنها راجع به تضمین تعویض خود کالا یا قطعاتی از آن در مهلت معینی بلاعوض یا با عوض است و اساساً چون در آنها بحثی از مسؤولیت و عواقب سوء ناشی از کالا نمی‌شود، ارتباطی با موضوع مقاله ندارد و اگر هم مطلبی در این خصوص بیان شده باشد، ماهیت مدنی دارد و صرفاً در خصوص امور مالی لازم الاتباع است، ولی در مورد صدمات جسمی و جانی به لحاظ امری بودن قانون جزا هیچ‌گونه اعتباری نخواهد داشت. اما اینکه تا چه زمانی مصرف‌کنندگان مصدوم از کالا مستحق اخذ خسارت از فروشندگان خود خواهند بود، در قانون اشاره نشده است؛ ولی تحقیقاً قرارداد و در غیاب آن عرف، مهلت مجاز استفاده دائم یا موقت را در اختیار مصرف کنندگان می‌گذارد.

درباره فروشندگان غیرحرفه‌ای نیز در صورتی حوادث ناشی از کالا منتسب به آنهاست که در کالا دخل و تصرف نموده و یا از ارائه اطلاعات یا هشدارهای لازم خودداری کرده باشند.

(۲) کار فرمایان: مستند به ماده ۹۵ قانون کار ایران مصوب ۱۳۶۹، اگر کارگری به‌دستور کارفرما کالایی را بسازد و در اثر آن به کسی صدمه‌ای برسد، در صورت اثبات عدم رعایت مقررات فنی، کارفرما مسؤولیت کیفری و مدنی دارد. هر چند این نوع مسؤولیت (مسؤولیت نیابتی یا ناشی از فعل غیر) در حقوق، استثنایی بر اصل و محدود به موارد منصوص قانونی است، مسؤولیت مدیران از باب سبب اقوی از مباشر در تولید و ارائه کالایی معیوب قابل توجه است؛ زیرا وقتی کارگران تحت امر و مراقبت مدیران خود فعالیت می‌کنند، خطای آنان رافع مسؤولیت مدیران در توجه و مراقبت به کار

کارگران نیست و همین‌طور تعهد مدیران در مقابل مصرف‌کنندگان، تعهد به نتیجه و ایمنی و حسن کارکرد محصول است و اگر مصرف‌کننده‌ای به آن مغرور شود و از این جهت صدمه‌ای ببیند، مستحق جبران خسارات وارد به خود خواهد بود.

۳) اشخاص حقوقی: اشخاص حقوقی اشخاصی فرضی و اعتباری‌اند که فقط در حدود اساسنامه و مقررات حاکم بر کشور، هویت و حق و تکلیف دارند و خارج از آن، شخصیت و موجودیت فرضی ندارند. از این‌رو در خصوص مسؤولیت آنها باید قائل به تفکیک شد؛ یعنی با نظر به واقعیت و اینکه فقط اشخاص حقیقی مرتکب جرم می‌شوند، اصل کلی این است که اشخاص حقوقی مرتکب جرم نمی‌شوند، مگر اینکه قانون-گذار به صراحت، جرمی را به دست آنها ارتکاب‌پذیر و به آنها انتساب دادنی بداند و مجازات‌هایی را متوجه آنها نماید (نوربها، ۱۳۶۹: ص ۲۶۲).

با این توصیف، در ایران، در صورت وقوع حوادث ناشی از کالا و با فقد عنصر قانونی، مطابق با اصل، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مثل شرکتها، از باب تسبیب یا مباشرت صدمه به مصرف‌کننده، طرح‌شدنی نیست و در این خصوص، مدیران مسؤولیت کیفری خواهند داشت، مگر اینکه در این مورد، نص قانونی خاصی داشته باشیم. اگر گفته شود که شرکتهای تولیدی از اقسام افراد صنفی‌اند و چون هر فرد صنفی هم به- لحاظ قانون، مسؤول کیفیت کالای خود است، شرکتها به‌عنوان فرد صنفی، مسؤولیت خواهند داشت، در پاسخ می‌توان گفت این اندازه ذکر مسؤولیت در قانون، ناظر به مسؤولیت کیفری نیست؛ زیرا مسؤولیت کیفری مربوط به رفتاری است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد و لذا منظور از مسؤولیت فرد صنفی، مذکور در ماده ۲ قانون نظام صنفی، اشاره به مسؤولیت مدنی است.

بخش دوم: مجازات عرضه‌کنندگان محصولات صنعتی

با لحاظ ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که ضمانت اجرای رفتارهای مجرمانه را مجازات دانسته است، چنانچه با تمامی شرایط لازم، از محصول صنعتی به شخصی صدمه‌ای برسد، در واقع جرمی واقع شده است باید عامل این جرم را متحمل مجازات بدانیم.

گفتار اول: عوامل مؤثر در تعیین مجازات عرضه کنندگان:

بخش مهمی از سیاست کیفری هر نظام حقوقی توجه به نوع و میزان مجازات‌هاست. در مورد سازندگان محصولات معیوب صنعتی، عوامل و نیروهای مختلفی در اراده قانون‌گذار به تعیین دخالت دارند که عموماً مهم‌ترین آنها درجه تقصیر و میزان صدمات وارده و نوع کالای موجب صدمه است.

چنانچه سبب وقوع جرم با قصد حصول نتیجه مجرمانه ایجاد شده باشد، تسبیب عمدی است که تحقیقاً سازندگان از ساختن کالای خود هرگز اینچنین قصدی را ندارند، ولی ممکن است صرف نظر از قصد نتیجه، تعدد در ایجاد سبب داشته باشند که در این صورت، قانون‌گذار نسبت به برخی از کالاها به لحاظ اعتمادی که مصرف کنندگان به آنها دارند، حساسیت ویژه و مجازات خاصی برای عرضه کنندگان در نظر گرفته است. مثلاً در گذشته، مطابق ماده ۱۸ قانون مربوط به امور پزشکی مصوب ۱۳۳۴ در خصوص دارو و به لحاظ حساسیت و اعتمادی که مریض برای درمان خود به سازندگان آن دارد، مجازات سازندگان یا توزیع کنندگان مواد دارویی فاسد و تقلبی که منجر به فوت یا یکی از علل فوت یا صدمه گردد، اعدام، حبس دائم یا حبس موقت است یا در مورد کالاهای مشمول استاندارد اجباری که بدون توجه به این مقررات، ساخته یا عرضه شوند و در نتیجه استفاده از آن به مصرف کننده صدمه‌ای برسد، حسب مورد، مطابق ماده ۱۲ قانون اصلاح قوانین استاندارد مصوب ۱۳۷۰، سازنده به مجازات دیه و حبس و جریمه محکوم خواهد شد یا اگر سازنده به منظور القای شبهه در کیفیت تولیدات و خدمات، از نام و علائم استاندارد ملی یا بین‌المللی استفاده نماید، در اجرای ماده ۵۲۵ قانون تعزیرات، به ده سال حبس محکوم می‌گردد.

بدیهی است در موارد فوق که وقوع صدمه همزاد و متوقف بر وقوع جرایم دیگری است که جنبه عمومی دارد، دادستان و با اجرای قانون دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ در مناطقی که هنوز مقررات دادرسی به اجرا در نیامده است، قاضی محکمه با کمک دستگاههای ذی نفع در رعایت مقررات بهداشت و استاندارد، سعی در حفظ قانون می‌کند که از قبل آن در جریان دادرسی، مجنی علیه به‌عنوان شاکی خصوصی از آن منتفع می‌گردد و فقط او باید ثابت نماید که صدمه وارده به وی ناشی از این کالا بوده است. لیکن در غالب موارد، سازنده تعددی در ایجاد سبب ندارد. در این صورت اگر هر یک از شاخصهای تقصیر سازنده در ساختن کالای صنعتی اثبات گردد و

این کالا موجب قتل شود، عمل سازنده به لحاظ تفریط در نفس، در حکم خطای شبه عمد است (موسوی خمینی، ۱۳۶۵: ص ۱۶۷) و در اجرای ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی، مشارالیه به مجازات دیه و حبس محکوم می‌گردد.

به غیر از مورد فوق، در صورتی که صرفاً استفاده کننده اثبات نماید از کالایی صدمه دیده است، به عنوان یک قاعده کلی می‌توان گفت از آنجا که در رکن روانی فعالیت سازنده محصولات صنعتی، قصد ایراد صدمه نیست، جرم حاصله عمدی نخواهد بود و ظاهراً وی به عنوان مسبب، عامل صدمه به مصرف کننده تلقی می‌شود؛ مگر اینکه سازنده بر خلاف ظاهر مدعی شود و اثبات نماید که علت حادثه، اقدام غیر مجاز مصرف کننده یا قوه قهریه و دخالت غیر مأذون شخص ثالث بوده است. در این صورت از مسؤلیت مبری می‌گردد. اما اگر سازنده نتواند انتساب حادثه به غیر از خود را اثبات نماید، بدون تردید مصدوم، مستحق جبران خسارت بر خود است؛ چون ظاهر واقعه از عیب پنهان کالا حکایت دارد و اماره‌ای است بر تعدی و تفریط سازنده در ساختن آن. لذا عمل وی به دلالت ظاهر، مثبت تقصیر سازنده است و هم او باید از عهده دیه بر آید. البته اگر سازنده نتواند وقوع حادثه را به غیر از خود انتساب دهد و به عبارت دیگر اگر در تحقق صدمه ناشی از کالا تردیدی نباشد، ولی سازنده بتواند عدم تعدی و تفریط خود را اثبات نماید، عمل او خطای محض محسوب می‌شود و فقط در صورت اقرار به انتساب صدمه به خود، متحمل جبران صدمات وارده به مصرف کننده است و گرنه خیر.

گفتار دوم: بدل صدمات ناشی از محصولات صنعتی

در ابتدا باید بگوییم که بدل ممکن است جعلی یا واقعی باشد: منظور از بدل جعلی همان عوضی است که در قانون یا عرف یا قرار داد معین شده است و منظور از بدل واقعی مثل یا قیمت واقعی خسارت وارده است. واضح است که بدل واقعی، یعنی مثل یا قیمت واقعی برای جرم و صدمات به انسان وجود ندارد و لاجرم بدل جرم بر مصرف کنندگان از کالای صنعتی باید بدل جعلی باشد که در قانون، عنوان دیه یا ارش دارد. شاید بدین طریق بتوان تا اندازه‌ای اسباب تسکین آلام و تسریع درمان مصدوم را فراهم آورد؛ به ویژه اینکه میزان صدمه هر قدر هم ناچیز باشد، به انحای مختلف ممکن است مزاحم و مانع فعالیت‌های اقتصادی شخص مصدوم گردد و با نظر به مالکیت خصوصی و

علاقه نوعی مردم به آن، چاره مشترک آن است که سازنده بخشی از دارایی خود را به تملک مصرف کننده مصدوم درآورد، منتها چون ممکن است در میزان آن اختلاف شود، در شریعت مقدس اسلام، قیمت مالی آن بر حسب نوع و اندازه صدمه معین گردیده است و در این خصوص، فرقی بین غنی، فقیر و صغیر و کبیر نیست.

با این توصیف، دیه از نظر ماهیت، عوض مالی مصدومیت به شمار می‌رود (عوض ادریس، ۱۳۷۲: ص ۳۲۴) و ویژگی آن جبران خسارت است (مرعی، ۱۳۷۳: ص ۱۳۹). ولی به ظاهر و به صراحت ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی، دیه از اقسام مجازات‌هاست که در حق مصدوم پرداخت می‌گردد؛ لذا اولاً حکم به دیه صرفاً با رسیدگی کیفری ممکن است؛ و ثانیاً قاضی مکلف است صرف نظر از درخواست مصدوم، به آن حکم دهد، مگر اینکه در قانون به صراحت نصی حکم به آن را به درخواست مجنی علیه منوط کرده باشند و ثالثاً قاضی نمی‌تواند بیش از آنچه به عنوان مجازات در قانون آمده است، تحت عنوان دیگری مثل خسارت معنوی یا زیان مازاد بر دیه به بدن (رای هیأت عمومی دیوان عالی کشور ص ۵۶۳-۲۸/۳۱) به آن حکم دهد.

در هر حال به رغم جنبه کیفری، به لحاظ اینکه دیه در حق اشخاص خصوصی پرداخت می‌شود، نباید از توجه به جنبه خصوصی آن که واجد آثار خاصی است غافل ماند. مثلاً حکم به دیه، منوط به تقاضا و شکایت مصرف کننده مصدوم از کالای صنعتی است، به طوری که این مهم به صراحت در ماده ۱۲ قانون استاندارد و ماده ۶۱۶ مجازات اسلامی آمده است و نیز تعقیب دعوی و اجرای آن می‌تواند قابل گذشت باشد. این ویژگیها از مجازات دیه در مورد فوق و حتی در اجرای ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ تقاضای بازداشت سازنده محکوم و مستنکف از پرداخت دیه نه تنها ضرری به حال جامعه ندارد، بلکه به واسطه دخالت مصدوم در اجرای مجازات، به طور مؤثری، احساس انتقام جویی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در عین حال، مصلحتی هم برای عرضه کننده یا عامل صدمه است که ممکن است کلاً یا بعضاً مورد اعلام گذشت مصرف کننده مصدوم از مجازات دیه قرار بگیرد.

گفتار سوم: مجازات مؤثر در تحدید ارتکاب جرایم عرضه کنندگان

مجازات فرع بر وقوع جرم است که به اعتبار قانون گذار وضع می‌شود. ولی در هر حال به رغم تشابه آثار مادی جرایم عمدی و غیر عمدی، به لحاظ اختلاف در عنصر روانی،

مجازات مجرمین غیر عمدی عموماً نباید همان مجازات مجرمین عمدی باشد؛ به عبارت دیگر چون مرتکب جرایم عمدی متوجه و آگاه از حرمت و ممنوعیت عمل خود و مسؤولیت ناشی از آن است، مجرم در انتظار واکنشی از جامعه به نام مجازات می‌باشد که قانون‌گذار از رهگذر آن، نظر بر نفس و روان و تغییر شخصیت مجرم دارد. ولی در جرایم غیر عمدی که مرتکب در ارتکاب جرم، عامد و قاصد تبوده است، تحمیل مجازات از سنخ برخی مجازاتهای اصلی جرایم عمدی مثل حبس به‌منظور ارباب و پیش‌گیری از ارتکاب و تکرار جرم و دفاع جامعه تأمل و تردید کردنی است.

تناسب مجازات با شخصیت مجرم که می‌تواند برداشتی از قاعده «التعزیر بما یرا الحاکم» (محقق داماد، ۱۳۷۱: ص ۱۰۰) در فقه اسلامی باشد، ملازمه با این مهم دارد که قاضی به قائم مقامی از حاکم نوع و میزان و حتی چگونگی اجرای مجازاتهای غیر عمدی سازندگان را با توجه به شخصیت مجرمین و هدف از اجرای آن انتخاب نماید. ولی اساساً در این خصوص این سؤال مطرح است که آیا مجازاتها می‌توانند نقشی در جلوگیری از ارتکاب جرایم غیر عمدی داشته باشند؟ به تحقیق، زمانی مجازاتها می‌توانند مفید باشند که در شخصیت مرتکب اثر بگذارند؛ وگرنه خالی از فایده‌ی اساسی است و لذا باید مجازاتها را برای اصلاح شخصیت مرتکبین جرایم باز سازی نمود و در صورتی که امکان آن نباشد، حتی المقدور باید از مجازاتها به‌عنوان ابراز یا رادعی استفاده کرد که مانع از جمع شرایطی شود که موجب تحقق ارتکاب جرم است. با این توصیف، لازم است که مجازات سازندگان محصولات صنعتی، ماهیت اقدامات تامینی و بازدارنده داشته باشد، تا هم شرایط ارتکاب جرم منتفی گردد و هم جامعه از سوء عوارض آن در امان باشد. از این-رو به‌نظر می‌رسد مناسب‌ترین مجازات تولید کنندگان محصولات صنعتی تغییر شرایط یا منع اشتغال به کسب و تولید کالاهای معیوب و ناقص باشد، مگر اینکه به‌موجب نظر مرجع ذی صلاح، از حسن فرایند طراحی یا تولید کالا اطمینان پیدا شود.

اجرای این نوع مجازاتها، سازنده را از ادامه‌ی فعالیت اقتصادی مضر به‌حال افراد و جامعه باز می‌دارد و به‌لحاظ رکود فعالیت اقتصادی و ایجاد هزینه، وی را به‌ناچار در مسیری سوق می‌دهد که منطبق است با نیازهای جامعه، یعنی سلامت و کیفیت مورد نظر در کالا.

نتیجه:

صدمات ناشی از کالای صنعتی به ظاهر و با لحاظ قضاوت‌های عرفی، بدون نیاز به اثبات تقصیر عرضه کننده و احراز عیب در کالا، حکایت از عیب کالا و انتساب آن به وی دارد و اساساً به صرف همین انتساب، صرف نظر از تقصیر، عرضه کننده به عنوان سبب اقوی در نتیجه، چون موجب صدمه جسمی یا جانی گردیده، مسؤلیت کیفری دارد و باید از عهده مجازات آن که دیه است برآید، مگر اینکه ثابت نماید اقدامات غیر مجاز استفاده کننده یا شخص ثالث یا قوه قهریه در وقوع حادثه مؤثر بوده است که در این صورت از مسؤلیت و پرداخت دیه مبری خواهد شد. لیکن به صراحت ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی، در صورت اثبات تقصیر یا تعدد عرضه کنندگان در ایجاد سبب مؤثر در نتیجه که عرفاً دلالت بر تقصیر وی، بدون قصد نتیجه نماید، مجازات آنها علاوه بر دیه، حبس نیز خواهد بود که پیشنهاد می‌گردد به جای حبس، در فکر تقنین مجازات جریمه و مهم‌تر از آن، اجرای انواع اقدامات تأمینی و تربیتی مثل الزام به رعایت استانداردهای خاص، مطابق با وضعیت و شخصیت عرضه کنندگان محصولات صنعتی باشیم.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ادریس، احمد عوض، دپه، ترجمه دکتر علیرضا فیض، وزارت فرهنگ و ارشاد، چ اول، ۱۳۷۲.
- ۳- آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور (جزایی) ۱۳۷۰-۱۳۲۸، تدوین فرج الله قربانی، ۱۳۷۱.
- ۴- انصاری (شیخ)، مرتضی، مکاسب، قم، موسسه مطبوعات دینی، چ چهارم، ۱۳۶۶
- ۵- الجبعی العاملی، (شهید ثانی)، زین الدین، شرح المعه، المكتب العلمیه الاسلامیه، ج دهم، ۱۴۰۳ق.
- ۶- خمینی (ره)، روح الله، موازین قضائی، ترجمه حسین کریمی، شکوری، چ اول، ۱۳۶۵
- ۷- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول جدید، ج ۹، ۱۳۷۲
- ۸- راسا، میشل لور، مسؤولیت مدنی، ترجمه دکتر اشتری، نشر حقوقدان، چ اول، ۱۳۷۵
- ۹- فرشاد یکتا، محسن، مفهوم حقوق اقتصادی، تهران، انتشارات مدرسه عالی بازرگانی، ۱۳۵۶
- ۱۰- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (معاملات معوض و تملیکی)، تهران، نشر بهمنشیر، چ سوم، ۱۳۶۳
- ۱۲- _____، ضمان قهری، تهران، نشر دهخدا، چ اول، ۱۳۶۲
- ۱۳- کمیسیون استفتائات و مشاورین شورای عالی قضائی، جزوه پاسخ و سوالات، چ اول، ۱۳۶۲
- ۱۴- لازرژ، کریسین، سیاست جنائی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر یلدا، چ اول، ۱۳۷۵
- ۱۵- محقق داماد، مصطفی، جزوه قواعد بخش جزایی، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱
- ۱۶- _____، قواعد فقه، نشر علوم اسلامی، چ اول، ۱۳۶۳، ج ۱
- ۱۷- محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، تهران، نشر یلدا، چ اول، ۱۳۷۳
- ۱۸- محمصانی، صبحی، فلسفه قانونگذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، تهران، نشر یزدانی، ۱۳۴۶
- ۱۹- مرعشی (آیه الله)، سیدمحمد حسن، قاعده تسبیب، مجله دادرسی، پیش شماره دوم، ۱۳۷۵
- ۲۰- _____، دیدگاههای نو در حقوق کیفری، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۷۳
- ۲۱- مصطفوی، سید محمد کاظم، القواعد الفقهیه، نشر الاسلامی، چ اول، ۱۴۱۲ق .
- ۲۲- موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، اصطلاحات و تعریف ایزو ۸۴۰۳، نشریه استاندارد، شماره ۵۰، ۱۳۷۴.
- ۲۳- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چ هفتم، ۱۹۸۱ م، ج ۴۳
- ۲۴- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، کانون وکلای دادگستری مرکز، چ اول، ۱۳۶۹.

25_The encyclopedia Americana, Consumer Protection, Grolier International Inc, newyork , 1981, Volume seven

26_ Laws texts, Under Supervision of DR .G. Eftekhari , product liability Laws in the USA & EEC Countries 1984.

27_ prosser & Keeton, The law of torts, wether pulishing co, 1987.

The inflating growth of economic activities and the supporting the consumers of Industrial products is a need arisen from the public rights the necessity of which has new rules such as those in penal law , due to which we can step penalties resulting from the industrial products against consumers in case of taking place , and if it does take place , the distributor has penal responsibility .

To this end we have to prevent the production of faulty goods from being delivered to the consuming market before anything wrong takes place . Generally speaking , as attempt to offend cannot have an important role in preventing the consumers from being impaired the legislator has penal laws for producing some of the goods and with regard to Iranian law , trespassing will cause punishment